

اصول حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین المللی

سید فضل الله موسوی * - سید حسین حسینی ** - سید حسین موسوی ***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۹)

چکیده

اصول حقوق بین الملل محیط زیست عموماً از طریق روابط مسالمت آمیز بین المللی و به وسیله رویه قضایی بین المللی وارد حقوق بین الملل محیط زیست شده اند. در روابط بین المللی، اختلافات امری عادی است که ممکن است از مسائل مختلف ناشی شوند. امروزه یکی از اختلافات رو به افزایش، اختلافات ناشی از محیط زیست بین المللی است که حیات بشری را تهدید می کند و به همین علت در مواردی به وسیله تضمینات کیفری از محیط زیست حمایت می شود. این حوزه ی مسائل بین المللی در عرصه جهانی با خلأ روبروست در نتیجه، با ارجاع اختلافات مزبور به مراجع صالح رسیدگی، این مراجع که عمدتاً حقوقی و الزام آورند، ضمن حل و فصل مسالمت آمیز و جلوگیری از بروز حوادث ناگوار، نقشی مکمل و اعلامی-توسعه ای در شناسایی اصول مهم محیط زیستی در روابط بین المللی دارند. از جمله اصول بسیار مهم زیست محیطی ناشی از اختلافات بین المللی، شناسایی و اعلام اصول استفاده غیر زیان بار از سرزمین، پیشگیری، توسعه پایدار و... هستند که به صورت عرف در نظم بخشی در روابط و پیشگیری از بروز مخاصمات نقش دارند. شاید اگر رجوع کشورها به مراجع بین المللی برای حل و فصل اختلافاتشان نبود اساساً، امروزه اصولی متقن در زمینه حقوق بین الملل محیط زیست متصور نبود. این مقاله در پی بررسی و اعلام اصول مذکور از طریق آرای حقوقی بین المللی و تصدیق جایگاه منحصر به فرد رجوع به روش های حقوقی حل و فصل اختلافات بین المللی است.

واژگان کلیدی: روابط بین المللی، اصول محیط زیست بین الملل، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، حمایت کیفری از محیط زیست بین المللی.

۱- مقدمه

اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست عموماً از طریق روابط بین‌المللی و به وسیله رویه قضایی بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شده‌اند. یکی از علل طرح این اصول، توسعه صنعتی و فناوری کشورهای جهان و صدمه و بروز خسارات فرامرزی جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست بین‌المللی و متعاقب آن شیوع اختلافات بین‌الدولی است. این موضوع سبب شده است که اصول مورد بررسی از حالت نرم^۱ خارج شده و از مسیر مراجع حقوقی بین‌المللی (غالباً) به اصولی مهم و قاعده‌مند تبدیل شوند. شایان ذکر است که بخش اعظم توجه به مسائل محیط‌زیستی و شناسایی اصول مزبور مرهون توجه کشورها به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی به جای توسل به زور است که خود وام‌دار پیمان پاریس ۱۹۲۸^۲ و منشور ملل متحد^۳ است؛ بنابراین نقش راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و به‌ویژه دیوان‌های داوری و قضایی بین‌المللی در توسعه و بسط حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بی‌بدیل و انکارناپذیر است. به‌هرروی، یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی قرن حاضر، بروز و گسترش آلودگی‌های مخرب و فرامرزی و تخریب قابل توجه محیط‌زیست جهانی است که همچون میراثی گران‌بهاست، در حدی که علاوه بر اسناد مختلف درباره شناسایی و حتی مسئولیت بین‌المللی کشورها در موارد نقض تعهدات زیست‌محیطی در برابر ورود زیان و انواع آلودگی‌ها بر کشورهای مجاور^۴ مسئله محیط‌زیست بین‌المللی به درجه‌ای از توجه رسیده است که در چارچوب اصل پیشگیری حتی با ضمانت اجرای کیفری، حمایت شده است.^۵ باین حال باید اذعان داشت که حمایت کیفری از محیط‌زیست هنوز بسیار محدود بوده و اساساً در قلمرو اتحادیه اروپا فعلاً لازم‌الاجراست. از مهم‌ترین مراجع حقوقی در زمینه محیط‌زیست که در شرح و بسط و ورود اصول مربوط به صحنه بین‌الملل مؤثر بوده‌اند، دیوان داوری بین ایالات متحده آمریکا و کانادا موسوم به قضیه «تریل اسملتر»^۶، دیوان داوری مربوط به اختلاف اسپانیا و فرانسه به نام قضیه «دریاچه لانو»^۷ و

1. Soft Law

۲. این پیمان به بریان-کلوگ (Briand-Kllog) هم موسوم است. موجود در سایت:

<http://www.yale.edu/lawweb/avalon/imt/kbpact.htm>

۳. بند ۳ از ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد: «کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به طرقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد.»

-بند ۴ از ماده ۲: «کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابین داشته باشد، خودداری خواهند نمود.»

4. Convention On The Protectionof The Environmentthrough Criminal Law, Strasbourg, (1998) 4.XI.

5. See Convention On The Protection Of The Environmentthrough Criminal Law, Strasbourg, (1998) 4.XI

6. Trail smelter

7. Lake Lanoux

دعاوی «گابچیکوو ناگیماروش»^۱ اختلاف بین مجارستان و اسلواکی و «کارخانه خمیر کاغذ»^۲ بین آرژانتین و اروگوئه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری هستند که دو اختلاف اخیر، تنها دعاوی ترافیعی منجر به حکم در مراجع مزبورند. در پرونده‌های فوق، اصول اساسی و بنیادینی شناسایی شده‌اند که نقش بسیار ارزنده‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و البته حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات این حوزه و جلوگیری از ظهور جنگ و توسل به زور در عرصه روابط بین‌الملل داشته است. به‌طور خاص دیوان بین‌المللی دادگستری هرچند وظیفه تدوین مقررات بین‌المللی را ندارد و از طرفی آرای صادره از مرجع مذکور در مرحله صدور حکم، ماهیتی نسبی (طرفینی) را داراست، اما به دلیل کمبود منابع در حوزه مورد بررسی و جایگاه ویژه این مقام در صحنه بین‌المللی، نقشی توسعه‌ای (عابدینی، ۱۳۸۹: ۵۲۸) در اعلام و معرفی اصول کاربردی در حقوق محیط‌زیست بین‌الملل دارد؛ این نقش قابل انکار نیست. ما در این مقاله به تبیین و بررسی برخی از مهم‌ترین اصول زیست‌محیطی که از بطن این اختلافات پا به عرصه حقوق بین‌الملل گذاشته‌اند و به ترتیب عبارت‌اند از اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، توسعه پایدار، ضرورت، پیشگیری، احتیاط، ارزیابی و اطلاع‌رسانی که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۲- اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین^۳

این اصل نخستین بار در اختلاف ایالات متحده و کانادا بر سر کارخانه «تریل اسملتر» شناسایی شد و پا به عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نهاد. بدین ترتیب که، در فعالیت کارخانه ذوب فلزات در تریل در حاشیه رودخانه کلمبیا که سرچشمه آن در خاک کانادا بود و در خاک ایالات متحده ادامه می‌یابد و واقع در ۱۰ مایلی شمال مرز بین‌المللی دو کشور شده بود، در نتیجه فعالیت‌های ناشی از ذوب فلز و استخراج معدن در سال ۱۹۲۷ به بعد، حجم گسترده‌ای از سولفور در ایالت واشنگتن منتشر شد که به‌صورت باران‌های اسیدی بر روی زمین‌های کشاورزی و محیط انسانی و شهری ایالت آمریکایی اثرات مخرب فراوانی بر جای گذاشت. (موسوی، ۱۳۸۵: ۵۷۲) به دنبال بروز این وقایع و خسارات پیش آمده، اختلافات بین دو کشور بالا گرفت به طوری که از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ ایالات متحده مبادرت به طرح شکایات علیه کانادا نمود و در همان سال ۱۹۲۸ مسئله پس از مذاکره و با توافق طرفین به کمیسیون مشترک بین‌المللی^۴ با عضویت کارشناسان دو کشور منجر گردید. با ادامه روند آلودگی‌ها و وارد شدن خسارات جدی‌تر به رودخانه بریتیش کلمبیا^۵ در سال ۱۹۳۳ روابط دو کشور به

1. Gabcikovo-Nagymaros

2. Pulp Milles (Factories)

3. The Principle of Non-harmful use of Land

4. Joint Commission International

5. British Columbia River

بالاترین سطح تشنج و تیرگی گرایید و ایالات متحده دوباره نسبت به آلودگی محیط‌زیست توسط کارخانه تریل اسملتر در کانادا اعتراض کرد. در طول این اعتراضات و تشنج در روابط، کنوانسیون با نام «کنوانسیون انتشارات [مواد مرز گذر]» تشکیل و بر تأسیس و ارجاع اختلاف به دیوان داوری مشترک بر مبنای کنوانسیون فوق توافق نمودند (دادیار، ۱۳۸۹: ۱۳۶)؛ بنابراین اولین دستاورد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات زیست‌محیطی دو کشور در صحنه بین‌المللی با توافق بر تشکیل دیوان داوری به ظهور و بروز رسید. در همین راه، دیوان داوری پس از رسیدگی‌های جامع و رجوع به نظام حقوقی ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین حقوق بین‌الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط... (آن کشور به کشوری دیگر گردد)». (R.I.A.A, 1938:1970) در نتیجه، کانادا بر اساس رأی فوق، مسئول و به جبران خسارت وارده به ایالات متحده به سبب تخریب محیط‌زیست آن کشور محکوم شد.

روشن است که رأی صادره اولین رأی در اختلافات بین‌المللی است که یک اصل را برای حقوق محیط‌زیست شناسایی کرده است و در واقع بیشترین اهمیت آن به دلیل استثنایی بودن ماهیت اصل مزبور نسبت به اصل حاکمیت ملی بر منابع کشورهاست. از جمله نکات بسیار حائز اهمیت، ماهیت و جایگاه این اصل است. زیرا هم چنان که در نظر دیوان ذکر شده است که اصل مورد بررسی از مبانی و قواعد حقوقی ایالات متحده و در واقع از نظام حقوقی یک تابع بین‌المللی استخراج شده و مطابق اصول بین‌المللی شناخته شده و به عرصه بین‌المللی و به طور خاص حل و فصل یک اختلاف تخصصی در روابط بین‌الملل وارد گشته است و از قضا، به دلیل نبود منبع خاص و مقررات و ماهیت ویژه و جدید آن، به راحتی مدنظر داوران بین‌المللی واقع شده و موثق شده است. این در حالی است که در مسائل دیگر مربوط به اختلافات زیست‌محیطی بین‌المللی بنا به اقتضا تکرار و تأکید شده است و این موضوع با وجود استثنایی بودن ماهیت این اصل در برابر اصل حاکمیت بر منابع طبیعی در میان کشورهاست.

یکی از نکات شایان توجه در رأی دیوان داوری که قطعاً بر روابط کشورهای یاد شده اثرگذار بوده است، تکلیف دولت کانادا بر حصول اطمینان از فعالیت کارخانه اسملتر بر طبق تعهداتش بر اساس حقوق بین‌الملل و رأی صادره است؛ بدیهی است که این تعهد برای اجرای دقیق اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» قابل تعریف و توجیه است و نتیجه آن چیزی جز توجه روزافزون مراجع بین‌المللی به معضلات زیست‌محیطی و همچنین جلوگیری از بروز و شیوع مجدد اختلافات این چنینی در روابط بین‌الملل در آینده نیست؛ بنابراین این تعهد، تعهدی مستمر و مستحکم است و تا وقتی که فعالیت‌های مزبور در خاک کانادا وجود داشته باشد ادامه خواهد داشت. این قضیه به‌خوبی در آرا و احکام داوری و قضایی بین‌المللی زیست‌محیطی تکرار شده است.

در اختلاف میان انگلستان-آلبانی در ۱۹۴۶ موسوم به قضیه «کانال کورفو» که اختلاف دو کشور پیرامون عبور کشتی‌های جنگی انگلستان از کانال مزبور بوده است که به بروز سه حادثه مرگبار در سال ۱۹۴۶ منجر شد و ریشه آن مین‌گذاری‌های متفقین در این کانال در جنگ جهانی دوم و ادعای حاکمیتی آلبانی بود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۸۳). با به وجود آمدن مناقشه در روابط دو کشور موضوع ابتدا توسط انگلستان به شورای امنیت گزارش شد و شورا توصیه به ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری نمود که با موافقت بعدی طرفین به دیوان ارجاع شد.

در بخشی از حکم صادره توسط دیوان، مرجع مورد بحث، آلبانی را متوجه اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین خویش کرده است و در واقع پس از قضیه اسملتر این اصل را نخستین بار در یک اختلاف ترافیکی بین‌المللی در مرجع قضایی ملل متحد تصدیق کرده است.

همچنین اصل بررسی شده در دومین اختلاف زیست‌محیطی بین‌المللی در یک دیوان داوری موسوم به قضیه «دریاچه لانو» فی‌مابین اسپانیا و فرانسه در سال ۱۹۵۷ مبنی بر احداث و انحراف آب از دریاچه کارول توسط فرانسه و ورود مخاطرات زیست‌محیطی به کشور اسپانیا و به‌ویژه حجم آب دریافتی این کشور، مدنظر قرار گرفت. اهمیت این رأی در این است که دومین رأی در خصوص یک اختلاف زیست‌محیطی بین‌المللی است که میان دو کشور و با استناد به این اصل حل و فصل شد.

علاوه بر این، اصل فوق در حکم اخیر زیست‌محیطی درباره آسیاب‌های مرزی و کارخانه خمیر کاغذ (۲۰۱۰) در مرز رودخانه‌ای آرژانتین-اروگوئه تکرار و به صورت اصلی مربوط به عرف بین‌المللی تأیید شد. تمامی مباحث فوق‌الذکر مبین جایگاه ویژه و حساس محیط‌زیست بین‌المللی در روابط بین‌الملل و آینده بشریت ارزیابی می‌شوند.

۳- اصل توسعه پایدار^۱

بر اساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست در سال ۱۹۸۷،^۲ توسعه پایدار عبارت است از «برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد» (مولایی، ۱۳۸۸: ۴۱۰). رکن معنوی، ضرورت توجه به لایه بیوسفر در کل آن است و در رکن مادی، حکایت از شناسایی نتایج زوال محیط‌زیست در بلندمدت دارد و به موجب آن امر واجب حمایت از محیط‌زیست در گرو

1. The Principle of Sustainable Development

2. Report of the World Commission on Environment and Development, 1987, 23

حفظ آن برای نسل آینده بشریت است (کیس الکساندر، ۱۳۷۱: ۱۰۱).

بیشتر مباحث مربوط به توسعه پایدار در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ که تدوین کننده عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار است، مدنظر قرار گرفته‌اند و وظیفه‌ای به همان دشواری مربوط به مباحث اصل احتیاط در حقوق بین‌المللی محیط‌زیست را مطرح می‌کنند. (Fitzmaurice, 2009: 67)

این اصل با قضیه موسوم به «گابچیکو و ناگیماروش»، اختلاف میان مجارستان و اسلواکی در محیط‌زیست بین‌الملل وارد شد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف فوق که به قضیه «سد» هم معروف است، تأکید نموده است که توسعه پایدار مفهومی مصالحه‌آمیز میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست است. در واقع، مهم‌ترین رأی صادره و رویه‌ساز در خصوص اصل بررسی شده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که البته نقشی مصالحه برانگیز در روابط و حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات دو کشور داشته است، رأی مذکور است.

در این اختلاف، در پی ایجاد پروژه سد بر روی رودخانه دانوب و همچنین اعمال پروژه «واریانت C» به صورت یک‌جانبه از سوی اسلواکی که به دنبال کناره‌گیری از ادامه پروژه از سوی مجارستان به دلایل زیست‌محیطی و تعویض نظام سیاسی این کشور از کشوری کمونیستی به کشوری همسو با غرب که پیش از این همگرایی بسیار زیادی در روابط بین‌المللی خصوصاً با کشورهای کمونیستی داشت، کشور اسلواکی که به شدت به دنبال توسعه اقتصادی خویش برآمده بود با اصرار بر به نتیجه رسانیدن پروژه، سبب تخریب تالاب‌های منطقه، آلودگی منابع آب و خشک شدن مراتع و جنگل‌ها گشت و در این راه پس از بروز اختلافات زیاد و تبدیل شدن این موضوع به موضوعی ملی-میهنی برای دو کشور، اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری برای صدور رأی ارسال شد (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۳۰).

در همین راستا استدلال کشور اسلواکی نیاز به توسعه و استفاده از منابع ملی و حاکمیتی بوده که دیوان پس از ارجاع اختلاف توسط طرفین، اصل توسعه پایدار را مورد تأکید و حکم قرار داده است.

باید گفت که در واقع اصل توسعه پایدار یک اصل پذیرفته شده و مکمل در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است به گونه‌ای که در دو دعوی موسوم به «گابچیکو و ناگیماروش» بین مجارستان و اسلواکی و «کارخانه خمیر کاغذ» میان آرژانتین و اروگوئه که تاکنون تنها دعوی محیط‌زیستی منجر به حکم در دیوان بین‌المللی دادگستری هستند، به خوبی توانسته است تعارض و اختلاف مطرح شده بین کشورهای درگیر را حل و فصل کند و از بروز تشنج و درگیری در روابط بین‌المللی جلوگیری کند. توسعه پایدار در نظر بزرگ‌ترین حقوق‌دانان

معاصر هم جایگاه رفیعی دارد از جمله، در نظریه جداگانه‌ای قاضی «ترینیداد» که در قضیه کارخانه خمیر کاغذ از توسعه پایدار به عنوان سنت ریشه‌دار در آمریکای لاتین به عنوان یک اندیشه حقوقی بین‌المللی موجود و ناظر بر نقش بی‌سروصدای اصول کلی حقوق یاد شده است (Trindade, 2010: 28-30) و همچنین در نظر جداگانه قاضی «ویرامانتری»^۱ در قضیه گابچیکو و ناگیماروش بیان شده است که توسعه پایدار در حقیقت یکی از اصول حقوقی بین‌الملل عرفی است؛ بر همین وصف، دیوان نمی‌تواند امروزه در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از این اصل چشم‌پوشی کند.

۳- اصل ضرورت حفاظت از محیط زیست^۲

ضرورت حفاظت از محیط‌زیست از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم^۳ نقطه عطف اعلام اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بوده است^۴ و طبیعی است یکی از اصول بسیار مهم و حیاتی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که کشورها در مقام دفاع از فعل یا ترک فعل خویش در روابط بین‌المللی بدان استناد می‌کنند، اصل ضرورت است. این اصل برای نخستین بار در یک اختلاف محیط‌زیستی در عرصه بین‌المللی بین مجارستان و اسلواکی یا همان قضیه «گابچیکو ناگیماروش» مدنظر یک مرجع قضایی بین‌المللی یعنی دیوان دادگستری بین‌المللی واقع شد و در زمره رویه محیط‌زیست بین‌المللی قرار گرفت. دلیل طرح اصل فوق در دعوی مذکور، اختلاف دو کشور طرف دعوا برای احداث سد بر روی رودخانه دانوب بود که کشور مجارستان با استناد به اصل مزبور برای ضرورت جلوگیری از تخریب محیط زیست منطقه و البته فشار افکار عمومی اقدام به فسخ قرارداد منعقد شده با اسلواکی (چکسلواکی) نمود و در قضیه مطروحه با طرح دعوی اسلواکی مواجه شده بود. به هر حال، دیوان، بسیار دقیق به این اصل می‌نگرد و به جنبه استثنایی آن توجه وافر دارد، طوری که ضمن بیان حکم به این که ضرورت باید مبتنی بر شرایط بسیار دقیق و متعددی باشد که دولت ذی‌نفع به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست، به شدت بر روی نظریات ذهنی متکی بر مفهوم ضرورت تأکید داشته و اجرای معاهدات را از سیطره منافع ملی خارج کرده است (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱۹۰)؛ همچنین در دیدگاه دیوان به منظور آنکه اقدام دولتی از منظر اصل ضرورت توجیه پذیر باشد، باید اقدام آن دولت تنها ابزار برای حفاظت از منفعت اساسی دولت

1. Weeramantry

2. The Principle of Necessity

3. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972, Art.5

۴. هم‌چنین اصل ۴ اعلامیه ریو بیان داشته است: به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت محیط زیست باید به عنوان جز تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی شود و نباید آن را به طور جداگانه بررسی کرد.

مورد نظر (مجارستان) در قبال خطر قریب الوقوع و شدید باشد و همچنین عمل آن دولت، عامل ایجاد آن خطر نباشد و عمل مذکور نباید به طور جدی به منافع دولت دیگر لطمه وارد نماید (دادیار، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در قضیه سد، دیوان مجارستان را در ایجاد خطر دخیل دانست. بنابراین دیوان، با قبول و تصدیق اصل ضرورت در مسائل زیست محیطی و عرفی شناختن آن، اما جایگاه این اصل را جایگاهی محدود و استثنایی دانسته و وجود آن را دلیل نقض سایر تعهدات نمی داند.

۴- اصل پیشگیری^۱

این اصل نخستین بار به شکل نتیجه‌ای منطقی تلویحاً، از «اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» در اختلاف معروف ایالات متحده و کانادا، که به تفصیل بررسی شد، در رویه قضایی بین‌المللی به عنوان اختلافی مهم در روابط بین‌الملل مطرح شد و در آن به کانادا توصیه شد که در آینده هم می‌بایست از ورود خسارات ناشی از انتشار دود به قلمرو واشنگتن پرهیز نماید و در واقع تعهدی مستمر را پیش‌بینی نمود.

اصل جلوگیری (پیشگیری) تکلیف می‌کند، دولت‌ها در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کنند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو نظارت و کنترل وی، روی بخش محیط‌زیست زیان‌آور نباشد (کیس الکساندر، ۱۳۷۱: ۱۰۱). این اصل یک وظیفه مطلق را در برمی‌گیرد، اما الزام دولت‌ها در جهت این ممنوعیت‌ها وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط‌زیست گردد. به هر حال تحقق اصل استفاده غیر زیان‌بار در گرو و مستلزم اقدامات پیشگیرانه است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۸۳).

دیوان در قضیه سد، اصل پیشگیری را با توجه به ویژگی غیرقابل جبران تخریب و خسارات وارده بر محیط‌زیست بین‌المللی، اصلی اجباری قلمداد کرده است (ICJ, 1997: 140)، اما توجه دیوان به اصل پیشگیری در قضیه کارخانه خمیر کاغذ نشان از اهمیت روزافزون این اصل در روابط بین‌الملل و محیط‌زیست بین‌المللی دارد زیرا، دیوان به شکل ویژه در صدد تأکید بر آن و عرفی تلقی نمودن این اصل برآمده است که ناشی از رویه و اعتقاد حقوقی ایجاد شده در آرای بین‌المللی‌ای هم چون رأی دیوان در قضیه کانال کورفو و سد، است. اما نکته بسیار مهم این است که دیوان، تحقق و نیل به این اصل را به گونه‌ای مطلق در قضیه کارخانه خمیر ذکر کرده است، زیرا برای حمایت از اصل پیشگیری و تضمین آن، اِشعار داشته است که پیشگیری تنها از

1. The Principle of Prevention

خلال کمیسیون مزبور کافی نبوده و بر تعهد دولت‌ها در تصویب و اجرای قوانین ملی در راستای این اصل نیز تأکید دارد. (ICJ,2010:190)

روشن است که رأی دیوان در این زمینه فقط بر مبنای اساسنامه فی‌مابین نبوده بلکه با شناسایی این اصل به‌عنوان عرفی مربوط به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که ریشه در معاهدات دارد بر اهمیت آن صحنه گذاشته است و به نظر می‌رسد که نظر جداگانه قاضی ترینیداد در قضیه کارخانه خمیر کاغذ در این زمینه ناشی از همان اعتقاد بین‌المللی است که ایجاد شده است زیرا وی بیان می‌دارد: «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست امروزه به‌سختی می‌تواند اصل پیشگیری، احتیاط و توسعه پایدار را نادیده بگیرد». (Trinidad,2010: 2)

۵- حمایت کیفری از محیط‌زیست بین‌المللی در قالب اصل پیشگیری

همان‌طور که اشاره شد، اصل پیشگیری با توجه رو به افزایش کشورها به مسئله محیط‌زیست بین‌المللی و طرح مسئولیت کشورها در صورت نقض آن به‌سرعت جایگاه ویژه‌ای در میان سایر اصول محیط‌زیستی پیدا کرد و آخرین ارتقای این اصل هم اعلام عرفی بودن این اصل از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۰ است. با همین هدف، اتحادیه اروپایی که در مباحث مهم دیگری در عرصه بین‌المللی همچون حقوق بشر و ایجاد سازوکارهای فرادولتی متنوع پیشگام بوده است در مسئله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و به‌ویژه حمایت کیفری از اصل بسیار سرنوشت‌ساز پیشگیری نیز چنین بوده است. (O'Riordan & Cameron, 2013:146)

اتحادیه اروپایی در سال ۱۹۹۸ در استراسبورگ فرانسه کنوانسیون به تصویب دول اروپایی رساند که در آن هدف از اعمال تدابیر کیفری برای محیط‌زیست، تأثیر آن در پیشگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی عنوان شده است. این کنوانسیون تعهد کشورها را از طریق حمایت کیفری و تعقیب و مجازات عاملان ورود آلودگی‌های مختلف و فرامرزی و در چارچوب اصل پیشگیری مورد پوشش قرار می‌دهد. یکی از نکات بسیار مهم این کنوانسیون، تعیین مجازات و تنبیه علاوه بر افراد حقیقی بر شرکت‌ها و مؤسسات و در واقع افراد حقوقی است که ممکن است در قلمرو دولت‌های اروپایی سبب ورود خسارت و آلودگی‌های فرامرزی به دولت‌های دیگر گردند.^۱ جالب‌تر این که در این کنوانسیون حتی برای شرکت‌ها (اشخاص حقوقی) نیز مجازات حبس در نظر گرفته شده است که در قالب تعلیق انجام فعالیت‌های آن مورد نظر واقع شده

۱. روشن است که اعمال مجازات علیه اشخاص حقوقی با توجه به ماهیت وجودی آن‌ها در مقایسه با اشخاص حقیقی متفاوت است و این نخستین بار است که در قالب یک سند برای اشخاص حقوقی نیز مجازات تعیین شده است.

است. اما نکته دیگری که در راستای اصل پیشگیری در کنوانسیون مزبور مطرح است، نص ماده ۲ آن است که اشعار داشته است: «دولت‌های عضو متعهدند تا تدابیر مناسب و ضروری را با جرم‌انگاری آلودگی‌های زیست‌محیطی در نظام حقوق داخلی خود وارد نمایند». نیک پیداست که پیش‌بینی و تصویب قوانین مناسب داخلی در تحقق پیشگیری از ایراد صدمات زیست‌محیطی بین‌المللی نقش مؤثری خواهد داشت و به کاهش جرائم بین‌المللی (در چارچوب این کنوانسیون) نیز ایضاً کمک خواهد نمود.^۱

۶- اصل احتیاط^۲

برابر نص ماده ۱۵ کنوانسیون ریو، اصل احتیاط بدین گونه تعریف شده است: «برای حفاظت از محیط‌زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیر قابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط‌زیست گردد» (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۷۴).

اصل احتیاط در هر دو اختلاف زیست‌محیطی ارجاعی به دیوان بین‌المللی دادگستری در ادعاهای طرفین و در حکم نهایی مورد توجه بوده است ولی هرگز به دلیل ماهیت نامتقن آن مورد وثوق جدی مانند اصل پیشگیری واقع نشده است.

این اصل که در راستای اصل پیشگیری مطرح بوده است، در صدد بیان تعهد پیشگیرانه است. تعهدی که با یرن و بویل^۳ آن را به شکل «حفاظت و کنترل فعالانه» بیان می‌کنند. پیامد پذیرش این اصل، به عنوان قاعده حقوقی، جایجایی بار اثبات دعوا است، بدین معنی که در هر گونه اقدام مشکوک در ارتباط با محیط‌زیست، اقدام‌کننده باید به هر طریقی اثبات نماید که اقدام وی برای محیط‌زیست خطرناک نیست (مولایی، ۱۳۸۸: ۴۲۶).

اعتبار این اصل از جهت اینکه آیا قاعده‌ای عرفی است یا خیر به شدت مورد نزاع و تردید است و شاید به همین دلیل است که دیوان نسبت به شناسایی این اصل به عنوان قاعده‌ای عرفی بسیار محافظه کارانه عمل کرده است. به هر روی آنچه در خصوص این اصل روشن است این

۱. جرائم بین‌المللی مندرج در کنوانسیون استراسبورگ عبارت‌اند از:

ماده ۲: ورود انواع آلودگی‌ها به آب، خاک و هوا که منجر به مرگ یا صدمه جدی به اشخاص شود یا خطرات جدی منجر به مرگ یا صدمه شدید را به اشخاص وارد کند.

ماده ۴: انتقال، ذخیره‌سازی، صادرات یا واردات غیرقانونی زباله‌ها؛ کاربست غیرقانونی گیاهان؛ تولید، استعمال، انتقال، صادرات یا واردات مواد هسته‌ای.

2. The Principle of Precaution

3. Birnie and Boyle

است که این اصل، از حقوق داخلی پای به حقوق بین الملل گذارده و در واقع یک اصل کلی بین المللی تلقی می شود و در حقیقت این همان نقطه افتراقی است که بین این اصل و اصل عرفی پیشگیری وجود دارد.. (Sands & Peel, 2012: 220)

این اصل هر چند در هردو پرونده زیست محیطی نزد دیوان بین المللی دادگستری یعنی رأی گابچیکو-ناگیماروش و کارخانه خمیر کاغذ، مورد حکم واقع شده اند اما می توان گفت که درباره آن قدری مسامحه و سکوت شده است، زیرا علت وجودی این اصل مبتنی بر وجود یک خطر است، که از نظر علمی نمی توان به طور قاطع و متیقن آن را به اثبات رساند. اصل مزبور ماهیتاً یک مرحله نزدیک تر به خطر زیست محیطی نسبت به مرحله پیشگیری است^۱ و بدیهی به نظر می رسد که وقتی دیوان اصل پیشگیری که اصلی پذیرفته تر و با اتقان بیشتری نسبت به اصل احتیاط است را با دلایل و مستندات قابل توجهی مبنی بر عدم نقض آن از سوی ارو گوئه در اختلاف موسوم به کارخانه خمیر رد نماید، در این رأی نسبت به اصل احتیاط اظهار نظری نکند (موسوی؛ موسوی فر، ۱۳۹۱: ۱۵).

۷- اصل ارزیابی^۲

ارزیابی قبلی فعالیت های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می گیرد از آنجایی که کوتاهی و قصور در تلاش جهت جلوگیری از خطرات فرامرزی می تواند منجر به مسئولیت بین المللی گردد، این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند (کورو کولا سوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۱۱۸). این ساز کارهای پیشگیرانه می تواند شامل نظارت، صدور هشدار و اعلامیه و تبادل اطلاعات شود که جزو تعهداتی است که در اسناد متعدد زیست محیطی درج شده اند. باید تأکید کرد که هر فعالیت پیشنهادی موضوع ارزیابی قرار نمی گیرد و فقط آن دسته از فعالیت هایی که دارای سطح معین آسیب به محیط زیست می شوند و یا چنین احتمالی بر آن طرح ها می رود، ارزیابی می شوند (شیلتون؛ کیس الکساندر، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

یکی از جلوه های مناسبات میان حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق سرمایه گذاری در اصل ارزیابی زیست محیطی مشاهده می شود (شیلتون؛ کیس الکساندر، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

اصل مزبور در رأی صادره از سوی دیوان داوری در قضیه دریاچه لانوکس (Lake Lanoux)

۱. ن. ک به

Arbitration, 1957:17) میان اسپانیا و فرانسه برای نخستین بار برای شناسایی پیامدها و پیشگیری از خسارات زیست محیطی مطرح شد، اما دیوان به تأکید و شرح و بسط و قاعده سازی آن نپرداخت. این اصل در پرونده موسوم به «کارخانه خمیر کاغذ» اختلاف مرزی و زیست محیطی آرژانتین-اروگوئه، دو کشور مجاور رودخانه اروگوئه که روز به روز رو به وخامت می گذارد مورد توجه اساسی واقع شد.

آنچه دیوان در خصوص نقض این اصل مدنظر قرار داده است، ترتیباتی شکلی است. به زعم دیوان اروگوئه ملزم بوده است که اطلاعات کافی و کامل در خصوص ارزیابی های زیست محیطی مربوط به طرح را به کمیسیون منتقل کرده و نظر نهائی را به این مرجع واگذار می نمود. همچنین این تعهد هنگامی بر دوش دولت اروگوئه مستقر می گردد که پیمانکار (یا شرکت) مربوطه برای اقدامات مجوز به نهاد صالح آن کشور مراجعه کرده است. دیوان اصل ارزیابی آثار زیست محیطی را اصل فرعی و با حصول شرایطی الزام آور تلقی نموده است. همان گونه که در مطالب فوق مورد اشاره قرار گرفته شد دیوان با زهم در مورد نفس و ماهیت نقض این اصل به قضاوت نپرداخته که آیا نقض ماهوی آن از طریق عدم اطلاع و انتقال ارزیابی ها به کمیسیون اتفاق افتاده یا خیر؟ به هر روی، دیوان ضمن شناسایی و اطلاق عرفی بودن این اصل، تعهد نقض شده را ماهوی ندانسته و بر نقض تعهد شکلی اروگوئه صحنه گذاشته است. در نتیجه، به نظر می رسد این تصمیم ریشه در عدم ذکر قلمرو و محتوای این اصل در حقوق بین الملل عام دارد.

این اصل تنها در رأی مذکور یعنی کارخانه خمیر کاغذ مورد حکم دیوان واقع شد و عرفی اعلام گشت.

۸- اصل اطلاع رسانی^۱ (اطلاع دهی)

این اصل در رویه قضایی بین المللی با اختلاف کشورهای اسپانیا و فرانسه موسوم قضیه «دریاچه لانو» به جهت احداث تأسیسات صنعتی و برق آبی توسط فرانسه در رودخانه مرزی مابین دو کشور و در رسیدگی ها و رأی دیوان داوری مورد توافق طرفین که در سال ۱۹۵۶ در ژنو تشکیل شد، مورد توجه واقع شد. این اختلاف و رأی صادره سابقه ای بس ارزشمند در تحکیم اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین و اصل اطلاع رسانی است و مضاف بر این، ارزش آن به سبب این است که اساساً دومین رأی بین المللی صادره در حقوق محیط زیست بین الملل پس از تریل اسملتر است که رابطه دو کشور را در عرصه بین الملل تنظیم و اختلافشان را

حل و فصل کرده است و مانع از بروز حوادث فاجعه بار شده است. در قضیه دریاچه لانو، دیوان داوری، فرانسه را نسبت به آگاه نمودن همسایه خود (اسپانیا) از اقدامات و برنامه‌های خود که در دریاچه و زیستگاه دو کشور مرتبط است (دریاچه مرزی لانو)، موظف شناخت (دادیار، ۱۳۸۹: ۱۳۶)، اما مهم‌ترین خاستگاه توجه به اصل اطلاع‌رسانی در اختلاف آرژانتین و اروگوئه نمایان شد و آن هنگامی بود که طرفین به موجب انعقاد اساسنامه‌ای در خصوص حفظ تعادل زیست‌محیطی رودخانه مرزی فی مابین، یعنی رودخانه اروگوئه در سال ۱۹۷۵ و متعاقب آن تشکیل کمیسیون مشترک^۱، متعهد به بهره‌برداری مفید و اطلاع‌رسانی به طرف مقابل شده بودند. در همین حال، به‌زعم دیوان، اروگوئه برای احداث دو آسیاب و یک کارخانه خمیر در حاشیه رودخانه مورد توافق که در حال تکمیل بود، به طرف مقابل (آرژانتین) از طریق کمیسیون مشترک^۲ به تعهد اطلاع‌رسانی خویش عمل نکرده است.

به هر روی، هرچند درباره این حکم به علت دومین رأی صادره در حوزه محیط‌زیست بین‌الملل و فقدان مقررات و رویه‌های سابق، انتقاداتی جدی وجود دارد، اما سهم ارزنده‌ای در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از یک سو و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و جلوگیری از مخاصمه‌ای منطقه‌ای داشته است.

۹- نتیجه

همان‌گونه که در مقاله شرح داده شد، پس از پیمان بریان کلوگ ۱۹۲۸ و منشور ملل متحد مبنی بر عدم توسل به زور، حقوق بین‌الملل و اسناد فوق‌الذکر جایگزینی شایسته هم چون طرق حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی را مورد توجه و تمرکز قرار دادند. باید اذعان نمود که اختلاف بین کشورهای جهان امری متداول است که از جمله در مباحث بین‌المللی مربوط به محیط‌زیست به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با حوزه‌های اقتصادی و حتی حقوق بشری، روبه افزایش است. در این مقاله اهمیت روش‌های قضایی حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست جهانی بررسی شدند که نقش آن‌ها در جلوگیری از توسل به زور و تأمین صلح و امنیت جهانی و کمک به حقوق محیط‌زیست بین‌المللی در قالب شناسایی اصول زیست‌محیطی بسیار ارزشمند و مورد تصدیق قلمداد می‌شوند، با این حال، این اختلافات که به‌طور خاص به حوزه محیط‌زیست بین‌الملل وابستگی دارند ممکن است حتی میان دو متحد استراتژیک و منطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و کانادا (در قضیه تریل اسملتر) روی دهد و این ناشی از

1. The River Uruguay Executive Commission

2. CARU

توجه کشورها به این بخش مهم از توسعه اقتصادی و منابع طبیعی منطقه‌ای است که توانسته است در این زمینه در میان کشورها در صورت بروز اختلاف منافع استراتژیک به مسئله‌ای تاکتیکی در ارتباطاتشان نمایان شود که در مباحث بررسی شده، دیده شد.

در همین راستا و پس از رجوع کشورها به راه‌حل‌های غیرسیاسی مسالمت‌آمیز حل اختلافاتشان، اصول مهمی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پدیدار و اعلام شدند که بهر روی نقشی ارزنده در جلوگیری از منازعات آتی در این حوزه و البته طرز عمل یکسان کشورها خواهد داشت و از بروز بسیاری از تشنجات بین‌المللی در روابط کشورها در سایه فقدان مقررات و عرف‌های مشخص بین‌المللی جلوگیری می‌کند. بنابراین، آرای زیست‌محیطی در روابط کشورها مشخصاً نقشی چند سویه داشته و خواهد داشت زیرا، از سویی همان‌طور که گفته شد، اولاً، سبب جلوگیری از حوادث دردآور بین‌المللی شده؛ ثانیاً، بر روابط کشورها نظم و قانون‌مندی می‌بخشد؛ و ثالثاً، نقشی توسعه‌ای در ترویج و شناسایی اصول راهگشا و ضروری زیست‌محیطی به تناسب موضوع در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. در این میان یکی از مجامعی که نقشی بسیار والا و ارزنده در صحنه بین‌المللی دارد، دیوان بین‌المللی دادگستری است که با وجود انتقادات وارده به آن و نسبی بودن آرا، این وظیفه خطیر را بر عهده گرفته و در آینده هم به دلیل اهمیت روبه رشد موضوع و گرایش هرچه بیشتر کشورها به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافاتشان در این زمینه تکرار خواهد کرد و جایگاهی بس گران‌سنگ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و به‌طورقطع در روابط بین‌الملل خواهد داشت.

می‌بایست این نکته را از نظر دور نداشت که توجه وافر به مسائل محیط‌زیست بین‌المللی به‌خصوص مسائل آلودگی فرامرزی منجر به شکل‌گیری عرف‌های مهمی در اسناد و آرای بین‌المللی (اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، اصل پیشگیری) گشته است. همچنین همان‌گونه که در متن مقاله مورد تصدیق قرار گرفت اصل پیشگیری امروزه (در قلمرو اتحادیه اروپا) از چنان اهمیت و موقعیتی برخوردار است که مورد حمایت کیفری قرار گرفته و نقض آن جرم انگاری شده است. دلیل آن هم وجود خرد و درک جمعی جامعه بین‌المللی در مقابله با بروز آلودگی (پیشگیری) به جای جبران خسارات صرف است؛ زیرا ماهیت خسارات وارده به محیط‌زیست بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اساساً اعاده و بازگشت به حالت نخست دست‌یافتنی نیست. در نتیجه، حمایت کیفری از محیط‌زیست و حمایت قضایی و حقوقی از این حوزه دغدغه‌برانگیز در قالب صدور آرا و شناسایی عرف‌های بین‌المللی در عرصه بین‌المللی، آغاز راهی است مبارک و تبیین‌کننده اهمیت آن در روابط بین‌کشورها و صلح و امنیت بین‌المللی و به طریق اولی حقوق بشر.

منابع

الف) فارسی

- راد کلیفت، مایکل، (۱۳۷۴)، *توسعه پایدار*، ترجمه: حسن نیر، تهران: وزارت کشاورزی.
- شیلتون، دینا، و الکساندر کیس، (۱۳۸۹)، *کتابچه قضایی محیط‌زیست*، تحقیق و ترجمه: محسن عبداللهی، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی.
- کیس، الکساندر، پیتراچ، سند وینفرایدلانگ، (۱۳۷۹)، *حقوق محیط‌زیست*، ترجمه: محمدحسین حبیبی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کوروکولا سوریا، لال و نیکلاس، رابینسون، (۱۳۹۰)، *مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، ترجمه: سید محمدحسن حسینی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی، سید فضل‌الله، (۱۳۸۰)، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تهران: نشر میزان.
- موسوی، سید فضل‌الله، (۱۳۸۵)، *سیر تحولات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تهران: نشر میزان.
- مولایی، آیت، (۱۳۸۸)، *مبانی و اصول توسعه پایدار زیست‌محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه حقوق محیط‌زیست، نظریه‌ها و رویه‌ها، چاپ اول، تهران: دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط‌زیست.

مقاله

- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان‌بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *مجله علوم محیطی*، تابستان، سال ۴، شماره ۴.
- عابدینی، عبدالله، (۱۳۸۹)، «ملاحظات پیرامون نظریه مشورتی کوزوو (۲۰۱۰)»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال نهم، بهار-تابستان، شماره ۱۷.
- موسوی، سید فضل‌الله، موسوی فر، سیدحسین، (۱۳۹۴)، «اختلاف محیط‌زیستی آرژانتین و اروگوئه (۲۰۱۰)؛ بررسی برخی مباحث و اصول»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۵، پاییز، شماره ۳.
- وکل، فیلیپ، (۱۳۸۱)، «همسویی معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۷ دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به طرح گابچیکو و ناگیماروش (مجارستان-اسلواکی)»، مترجم: هنجنی، علی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۶-۲۵.

پایان‌نامه

- دادیار، عقیده، (۱۳۸۹) *رویه بین‌المللی حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی با تأکید بر قضیه*

گاجیکو ناگیماروس، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ب) انگلیسی

Books

– Fitzmaurice, Malgosia, (2009), *Contemporary Issues in International Environmental Law*, UK, London, Edward Elgar.

– O’Riordan, Timothy & Cameron, James, (2013), *Interpreting the Precautionary Principle*. London: Routledge.

– Sands, Philippe & Peel, Jacqueline. (2012). *Principles of International Environmental Law*. Cambridge: Cambridge University Press

Documents

– Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context of the United Nations Economic Commission for Europe, (ESPOO) (1991).

– Convention on The Protection of The Environment through Criminal Law, Strasbourg, (1998) 4.XI.

– Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (1972), available at: <http://www.unep.org/documents/default.asp?>

– Report of the World Commission on Environment and Development (1987).

– Statute of International Court of Justice (1946).

– The Basel Convention, (1989), On the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and Their Disposal.

– The Convention on Long-range Transboundary Air Pollution (24 June 1998), in Aarhus (Denmark).

– The Rio Declaration, (1992), on Environment and Development.

Judicial Awards and judgements:

– I.C.J., (1997), Judgment of Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary-Oslovakia).

– I.C.J., (20 April 2010), Judgment of Case Concerning Pulp Mills in the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) Judgment, Available in: www.icj-cij.org/

– ICJ (20 April 2010), Pulp Mills on the River Uruguay Summary of the Judgment (Argentina v. Uruguay).

– Judge Cancado Trindade, (2010), Separate opinion of, I.C.J., Summary of the Judgment on Pulp Mills (Argentina v. Uruguay).

– Lake Lanoux Arbitration, (1957), (France vs Spain), Arbitral Tribunal

– R.I.A.A., (1978). Trail Smelter Case (United States of America vs. Canada), 1938-1941.

WebSites

– www.icj-cij.org/

– www.un.org/

– www.unep.org/documents/default.asp?documentid=97

- <http://upload.wikimedia.org/wikisource/en/d/d7/our-common-future.pdf>
- <http://www.yale.edu/lawweb/avalon/imt/kbpact.htm>
- <http://yaserziaee.blogfa.com/post-209.aspx>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی